

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه مطالعات منطقه ای

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات منطقه ای، گرایش آسیای مرکزی و قفقاز

عنوان پایان نامه:

واکاوی نقش دیپلماسی عمومی آمریکا در وقوع انقلاب های رنگی در آسیای مرکزی و
قفقاز

استاد راهنما:

آقای دکتر ملکوتیان

استاد مشاور:

خانم دکتر کولایی

استاد داور:

آقای دکتر جوادی ارجمند

دانشجو:

محمد جواد محمدی

مهر ۱۳۹۰

تقدیم به حضرت صاحب الزمان - روحی و ارواه العالمین لمقدمه الفداء -

که انتظار غیبت شان نوید بخش خلیفه الهی و تکوین ساختمان و طرح کلان بشریت بوده

و قدرت نرم عظیمی در پهنه کخطه ها و ثانیه های ظهور نهفته است.

و

تقدیم به نایب برحقشان حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای -

دامت برکاته - که در سلام و کلامشان قدرت نرم و دیپلماسی عمومی (مردم محور و

امت محور) قرین واقعیت است.

چکیده:

دیپلماسی هنر گفتگو، مذاکره و حل و فصل منازعات و مشاجرات میان واحدهای سیاسی با دولت-ملت‌ها می‌باشد؛ که به موازات آن قدرت سخت جریان دارد. نزدیکی و همیاری دیپلماسی با قدرت به خاطر ترتب و شمولیت هر دو در قالب دولت-ملت بوده و گستره مفهومی خود را بر حوزه رسمی کشور به کشور تنظیم می‌نماید. اما بحران در استعمال قدرت سخت بویژه در دو جنگ جهانی (اروپایی) و آسیب اساسی چهره بشریت؛ نشانگر عدم کارایی قدرت عریان در حل و فصل منازعات بوده، گسترش تکنولوژی و ارتباطات که فاصله‌های زمانی و مکانی را درهم می‌نوردید؛ رواج مباحثی چون آزادی و دموکراسی خواهی؛ مفهوم افکار عمومی و تاثیر بر آن را در دستور کار ابرقدرت‌ها جهت مدیریت جهانی قرار داد. لذا بر اهمیت مفاهیم قدرت نرم و دیپلماسی عمومی (مردم محور) افزوده شد. با فروپاشی اتحاد شوروی؛ توجه آمریکا به هارتلند و قلب سرزمینی و نفوذ در حیات خلوت روسیه مضاعف گردید. در این راستا ایالات متحده و غرب با اتخاذ سازوکارهای دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در به موفقیت رساندن به اصطلاح انقلاب‌های رنگی با در نظر گرفتن مشکلات و معضلات داخلی اهتمام ورزیدند. سوال اصلی پژوهش این است که دیپلماسی عمومی آمریکا با چه سازوکارهایی در وقوع انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز ایفای نقش نموده است؟

این پژوهش بر این فرضیه قرار دارد که اقدامات و مناسبات دیپلماسی عمومی آمریکا از عمده‌ترین مولفه‌هایی است که در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به انقلاب‌های رنگی منجر گردیده است. مولفه‌ها و ابزارهای ایالات متحده در اعمال دیپلماسی عمومی (مردم محور) به وقوع انقلاب‌های رنگی در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان گردید.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، ایالات متحده، انقلاب رنگی.

تقدیر و شکر:

به رسم ادب و احترام، از زحمات همه عزیزانی که اینجانب را در همه مراحل این پژوهش مساعدت کردند به ویژه استاد اہنجا بنجاب
آقای دکتر ملکوتیان شکر و امتنان به عمل می آید. همچنین از مشاوره سرکار خانم دکتر کولایی و داوری جناب آقای دکتر حوادی
ارجمند قدردانی می گردد.

از ہمت و دغدغہ مادر عزیزم کہ از راه ہا و کیلومتر ہا فاصلہ بہ وضوح ہمیدہ می شد سپاسگزارم.

فهرست مطالب

مقدمه و کلیات.....	۱
فصل اول: مبانی نظری (قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، انقلاب و انقلاب های رنگی).....	۹
(۱-۱) قدرت نرم.....	۱۰
(۱-۱-۱) ویژگی های قدرت نرم.....	۱۷
(۲-۱-۱) سطوح قدرت نرم.....	۱۷
(۳-۱-۱) عناصر قدرت نرم.....	۱۸
(۴-۱-۱) ارکان قدرت نرم.....	۱۸
(۵-۱-۱) منابع قدرت نرم.....	۱۹
(۱-۵-۱-۱) فرهنگ و ارزش های فرهنگی.....	۲۰
(۲-۵-۱-۱) دین و ایدئولوژی.....	۲۱
(۳-۵-۱-۱) دانش و فناوری.....	۲۱
(۴-۵-۱-۱) اعتبار.....	۲۲
(۵-۵-۱-۱) سیاست های حکومت.....	۲۲
(۶-۵-۱-۱) قدرت ایمان به خدا و شهادت طلبی.....	۲۲
(۷-۵-۱-۱) اراده ملی و جمعی.....	۲۳
(۲-۱) دیپلماسی عمومی.....	۲۵
(۱-۲-۱) سه دوره متفاوت دیپلماسی.....	۳۰
(۲-۲-۱) مقایسه دیپلماسی سنتی و عمومی.....	۳۱
(۳-۲-۱) چهار نوع دیپلماسی.....	۳۱
(۴-۲-۱) ابعاد دیپلماسی عمومی.....	۳۲
(۵-۲-۱) ابزار دیپلماسی عمومی.....	۳۲
(۵-۳-۱) اهداف دیپلماسی عمومی.....	۳۳
(۳-۱) تفاوت دیپلماسی عمومی با سایر اصطلاحات مشابه.....	۳۴
(۱-۳-۱) جنگ روانی.....	۳۴
(۲-۳-۱) تبلیغات.....	۳۴
(۳-۳-۱) روابط عمومی.....	۳۵

۳۵(۴-۱) دیپلماسی فرهنگی
۳۸(۵-۱) ابزارهای نوین ارتباطی دیپلماسی عمومی
۳۸(۱-۵-۱) دیپلماسی مجازی
۳۸(۲-۵-۱) دیپلماسی دیجیتالی
۳۹(۳-۵-۱) دیپلماسی رسانه ای
۴۲(۱-۳-۵-۱) رسانه های گُند
۴۲(۱-۱-۳-۵-۱) کتاب
۴۲(۲-۱-۳-۵-۱) مطبوعات
۴۳(۲-۳-۵-۱) رسانه های سریع
۴۳(۱-۲-۳-۵-۱) رادیو
۴۳(۲-۲-۳-۵-۱) تلویزیون
۴۴(۳-۲-۳-۵-۱) سینما
۴۴(۴-۲-۳-۵-۱) ماهواره
۴۴(۵-۲-۳-۵-۱) اینترنت
۴۵(۶-۱) تفاوت انقلاب های واقعی و انقلاب های رنگین
۴۵(۷-۱) تعریف صاحب نظران از انقلاب
۴۷(۸-۱) اساسی ترین ویژگی های انقلاب ها
۴۷(۱-۸-۱) نقش رهبری و ساختارهای متشکل
۴۷(۲-۸-۱) گسترش ایدئولوژی های جدید و جایگزین
۵۱(۳-۸-۱) نقش توده ها مردم
۵۲(۴-۸-۱) گسترش روحیه انقلابی
۵۲(۵-۸-۱) وجود عنصر خشونت توسط طرفین
۵۳(۶-۸-۱) تغییرات اساسی
۵۴ فصل دوم: فروپاشی نرم افزاری اتحاد شوروی
۵۵(۱-۲) مقدمه
۵۷(۲-۲) مولفه های نرم افزاری ایالات متحده آمریکا و غرب در مواجهه با اتحاد شوروی

۵۷۱-۲-۲) مبادلات دانشجویی
۵۸۲-۲-۲) فیلم
۵۹۳-۲-۲) موسیقی
۶۰۴-۲-۲) جنگ رسانه ای
۶۱۳-۲) سیاست دین زدایی اتحاد شوروی
۶۲۴-۲) انقلاب اسلامی و موج احیاگری اسلامی
۶۲۱-۴-۲) پیش بینی بیداری اسلام
۶۲۲-۴-۲) تاثیرات انقلاب اسلامی بر نظریات بین الملل و جامعه جهانی
۶۵۳-۴-۲) موج انقلاب، انفجار نور و تاثیرات آن در قلمرو شوروی
۶۷۴-۴-۲) تاثیر انقلاب اسلامی بر جامعه شوروی
۷۰۵-۲) تقابل استراتژیک میان اندیشه دینی - اسلامی و لیبرالیسم - کمونیسم
۷۲۶-۲) فروپاشی شوروی بر آینه دو اندیشه اسلامی و لیبرالی
۷۳۷-۲) نتیجه
۷۴فصل سوم: نقش عوامل داخلی در وقوع انقلاب های رنگین
۷۵۱-۳) مقدمه
۷۵۲-۳) ریشه های داخلی وقوع انقلاب های رنگی
۷۵۱-۲-۳) عدم شکل گیری دولت - ملت و به دنبال آن بحران مشارکت
۷۶۲-۲-۳) بحران هویت و از خود بیگانگی
۷۸۳-۲-۳) عدم رعایت معیارهای حقوق بشری
۷۸۴-۲-۳) بحران مشروعیت و عدم گردش نخبگان
۸۰۵-۲-۳) تمامیت ارضی
۸۱۶-۲-۳) مشکلات اقتصادی و فساد موجود در این جوامع
۸۳۳-۳) شکل گیری جنبش های اجتماعی و حضور دانشجویان و جوانان
۸۴۴-۳) شرایط سیاسی - اجتماعی جمهوری های شوروی
۸۴۱-۴-۳) فساد دولتی
۸۵۲-۴-۳) ناکارآمدی اقتصادی
۸۵۳-۴-۳) نظام های حکومتی غیر دموکراتیک

۸۷(۵-۳) مهمترین عناصر انقلاب های رنگی
۸۷(۱-۵-۳) استفاده از انتخابات به عنوان فرصتی برای بسیج توده ای
۸۸(۲-۵-۳) مسالمت آمیز بودن
۸۸(۳-۵-۳) مشارکت توده ای
۸۹(۴-۵-۳) میزان تغییرات
۸۹(۶-۳) بررسی انقلاب های مخملی انقلاب گل رز، انقلاب نارنجی و انقلاب لاله ای
۸۹(۱-۶-۳) وضعیت مخالفان
۹۱(۲-۶-۳) وضعیت حکومت
۹۳(۷-۳) نتیجه
فصل چهارم: نقش دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا در شکل گیری انقلاب های رنگی ... ۹۴	
۹۵(۱-۴) مقدمه
۹۵(۲-۴) پیشینه دیپلماسی عمومی در آمریکا
۹۶(۳-۴) دیپلماسی عمومی پس از یازده سپتامبر
۹۸(۱-۳-۴) رادیو اروپای آزاد / رادیو آزادی
۱۰۰(۴-۴) جایگاه دیپلماسی در استراتژی امنیت ملی آمریکا
۱۰۱(۵-۴) کارکرد دیپلماسی عمومی برای آمریکا
۱۰۲(۶-۴) اهمیت دیپلماسی عمومی
۱۰۳(۷-۴) برنامه های دیپلماسی عمومی آمریکا
۱۰۳(۱-۷-۴) آژانس اطلاعات ایالات متحده
۱۰۴(۲-۷-۴) وزارت امور خارجه
۱۰۶(۳-۷-۴) موسسه غیردولتی امریکن اینترپرایز
۱۰۷(۴-۷-۴) بنیاد وقف ملی برای دموکراسی
۱۱۰(۵-۷-۴) مبادلات فرهنگی و آموزشی

- ۱۱۰ ۶-۷-۴) بازدید کنندگان بین‌المللی
- ۱۱۱ ۷-۷-۴) پخش برنامه‌های بین‌المللی
- ۱۱۱ ۸-۷-۴) تبادل اتباع کشورها در قالب برنامه‌های غیردولتی و غیرانتفاعی
- ۱۱۲ ۹-۷-۴) مساعدت به برنامه‌ها و تقویت نهادهای دموکراتیک
- ۱۱۲ ۱۰-۷-۴) برنامه هنرهای نمایشی
- ۱۱۲ ۱۱-۷-۲) برنامه کنفرانس‌های از راه دور
- ۱۱۲ ۱۲-۷-۴) انتشارات و رسانه‌های الکترونیک
- ۱۱۳ ۱۳-۷-۴) سرویس خدمات فیلم و تلویزیون جهانی
- ۱۱۳ ۱۴-۷-۴) کمیسیون مشورتی دیپلماسی عمومی
- ۱۱۴ ۱۵-۷-۴) دفتر ارتباطات جهانی ریاست جمهوری
- ۱۱۵ ۱۶-۷-۴) شورای امنیت ملی
- ۱۱۵ ۱۷-۷-۴) وزارت دفاع
- ۱۱۶ ۱۸-۷-۴) دیپلماسی عمومی از طریق سازمان‌های غیردولتی
- ۱۱۶ ۱-۱۸-۷-۴) سیاست خارجی
- ۱۱۶ ۲-۱۸-۷-۴) تربیت دانشجویان خارجی و اعطای بورس تحصیلی
- ۱۱۷ ۳-۱۸-۷-۴) ایجاد شبکه روشنفکری
- ۱۱۷ ۴-۱۸-۷-۴) نظریه پردازی‌های اجتماعی - اقتصادی در جهان سوم
- ۱۱۸ ۵-۱۸-۷-۴) حمایت از سازمان‌های تبلیغاتی
- ۱۱۸ ۶-۱۸-۷-۴) حمایت از پژوهش‌های مستقل
- ۱۱۸ ۷-۱۸-۷-۴) تاثیرگذاری بر رسانه‌های تبلیغاتی
- ۱۲۰ ۱۹-۷-۴) شورای مدیران شبکه‌های رادیو - تلویزیونی دولت آمریکا
- ۱۲۱ ۲۰-۷-۴) سینمای هالیوودی
- ۱۲۱ ۲۱-۷-۴) تلویزیون
- ۱۲۲ ۸-۴) رقابت در اوراسیا (قلب جهان)
- ۱۲۵ ۹-۴) نقش روسیه در حوادث موسوم به انقلاب‌های رنگی
- ۱۲۷ ۱۰-۴) ۱۱ سپتامبر
- ۱۲۸ ۱۱-۴) نقش آمریکا در ایجاد انقلاب‌های رنگی
- ۱۲۹ ۱۲-۴) اهداف اصلی و اولویت دار آمریکا از وقوع انقلابات رنگی در جمهوری‌های شوروی

۱۳۰دیپلماسی عمومی آمریکا در انقلاب های رنگی
۱۳۰نقش سفیر آمریکا در وقوع انقلاب های رنگی
۱۳۲وزارت امور خارجه
۱۳۴سازمان ها وموسسات غير دولتی
۱۳۴بنیاد سوروس
۱۳۶سازمان ها و جنبش های مدنی و غير دولتی آمریکایی
۱۳۸جنبش های دانشجویی
۱۳۹شبکه های تلویزیونی
۱۴۰نتیجه
۱۴۱نتیجه گیری
۱۴۷فهرست منابع

طرح مسئله:

بیش از چهارصد سال قبل نیکولو ماکیاولی به شاهزادگان ایتالیایی گفت: «این که مردم از شما بترسند مهمتر است از این که شما را دوست داشته باشند» این کلام مبین سیطره مفهوم قدرت فیزیکی و سخت بر سیاست گذاری و تصمیم سازی کلان دولت مداران حتی در حوزه داخلی می باشد. دیپلماسی در مفهوم کلاسیک آن « بر تلاش های مقامات رسمی یک کشور برای نفوذ بر مقامات رسمی کشور دیگر برای اتخاذ مواضعی خاص متمرکز است». اصولا دیپلماسی سنتی دیپلماسی کشور به کشور بوده، به تعبیری دیگر «فن مدیریت تعامل با جهان خارج توسط دولت ها» می باشد. این نوع دیپلماسی که بویژه گستره دولت-ملت ها را در بر می گیرد، ربط وثیقی با قدرت سخت^۱ دارا می باشد.

دیپلماسی سنتی ورود به حوزه انسانی دیگر کشورها را نه تنها از وظایف خود بر نمی شمورد، بلکه لزومی مبنی بر تمرکز در این پهنه نمی دید؛ که ریشه این مقوله به عدم اهمیت جامعه و افراد انسانی به عنوان کنش پذیران منفعل اجتماعی بود. وقوع دو جنگ عظیم جهانی، بانیان جنگ را بر آن داشت تا به ظاهر در جهت رفع آلام بشریت و اقداماتی برای جلوگیری از وقوع دوباره این حوادث چاره اندیشی نماید. بنابراین به تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۵) مبادرت کردند. ترک برداشتن «حاکمیت» واحد های سیاسی با مولفه هایی چون حمایت از حقوق بشر و گسترش دموکراسی، دیپلماسی سنتی دولت محور را نیز دچار تحول مفهومی کرد؛ قدرت سخت را به انزوا کشاند. اهمیت یابی مردم به عنوان کنشگران فعال اجتماعی و تاثیر گذاری هر چه بیشتر بعد انسانی در ابعاد تصمیم گیری دولت ها در عرصه های داخلی و خارجی؛ لزوم توجه به قدرت نرم^۲ و ابزار (و همچنین تولید کننده) آن یعنی دیپلماسی عمومی « برنامه طراحی شده توسط یک دولت به منظور اطلاع رسانی و تاثیر گذاری بر افکار عمومی یک کشور دیگر» را بیشتر کرد. در عصر معاصر و پس از ترک برداشتن پوسته حاکمیت دولت-ملت ها و اهمیت مضاعف افراد انسانی در محدوده حاکمیتی و مرزها، مقوله قدرت نرم و روند هایی که بتوان با در نظر گرفتن آنان نه تنها بر مردم خود بلکه، بر جمعیت انسانی واحدهای سیاسی دیگر نیز تاثیر گذاشت و به تبع آن کارویژه هایی که حاصل قدرت نرم تولیدی به جهان خارج از مرزها به شدت در اولویت سیاست گذاری کشورها قرار گرفت.

امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۱ یعنی حدود ده سال قبل از تئوری پردازی جوزف نای در باره مفهوم قدرت نرم فرمودند: «شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری کنید که مردم به شما متوجه شوند... کاری کنید که دل مردم را به دست بیاورید.» در هر صورت جوزف نای نیز به این نتیجه می رسد که «ما بایستی کاری کنیم که دیگران چیزی بخواهند که ما می خواهیم» و البته این کار را نه از طریق اجبار و زور بلکه از طریق اقناع^۳ محقق نماییم. درست است که این دو دیدگاه از رویکرد های کاملا متفاوت به انسان

¹ .Hard Power

² .Soft Power

³ .Co optive

است اما در نقطه، جذب قلوب واذهان دارای اشتراک مفهومی است. این خود حکایت از دگرگونی و تحول مفهوم "قدرت" در عرصه نظام بین الملل برای دستیابی به اهداف و منافع ملی کشورها دارد.

سست شدن حاکمیت واحدهای سیاسی و اهمیت امنیت انسانی از یک طرف و گسترش ارتباطات و رسانه های جمعی که این امکان را به دارندگان ابزارهای رسانه ای وتشکل های فعال غیر دولتی^۱ می دهد؛ از طرف دیگر موجب گردید تا بدون واسطه دولت های ملی با اتخاذ دیپلماسی عمومی(مردم محور)مستقیما با مردم و نخبگان در ارتباط باشند و به افکار آنان، آن طوری که در راستای اهدافشان است، جهت دهی نمایند.

صاحب نظرانی چون نای، فروپاشی اتحاد شوروی را نه از طریق نظامی و اقتصادی ...بلکه از منظر قدرت نرم آمریکا و اعمال دیپلماسی مردم محور ارزیابی می کنند. اشنایدر می نویسد: «تاثیر موسیقی؛ مخصوصا موسیقی "جاز" و "راک" شکاف در نمای کمونیست را آشکار کرد و با آزادی های غربی ارتباط برقرار ساخت بطور مستدلی نیرومند بود،موسیقی غربی از طریق برنامه شبانه"موسیقی ایالات متحده آمریکا توسط مجری برنامه ویلیس کانور از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۶ بداخل پرده آهنین نفوذ کرد. یکی از شنوندگان روسی تجربه خود را اینگونه توصیف می کند:«ما هر شب درب ها و پنجره ها را می بستیم و برنامه "ویلیس کانور" را روشن می کردیم و برای دو ساعت آزادی را احساس می کردیم».

سمونی سفیر کنونی مجارستان در آمریکا و یک گیتاریست که عمیقا تحت تاثیر "راک" بوده در سخنرانی با عنوان «راکینگ برای جهان آزاد: چگونه موسیقی راک به فروریختن پرده آهنین (دیوار برلین) کمک کرد» معتقد است «موسیقی "راک" اینترنت دهه های ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ بود».

از آنجایی که انقلاب^۲ به مفهوم تحولی بنیادین و ساختاری در نظریه های سرمایه داری جایگاهی ندارد و بلکه نوک پیکان آن به سمت نظام سرمایه داری است، که وقوع انقلاب ها در عرصه واقعیت دلیلی بر این مدعا است. نظام سرمایه داری همواره به رفورم یا اصلاح توجه داشته است؛ لذا با استفاده از شناختی جامع از گسست و تحولات نسلی در جوامع هدف، تلاش دارد تا با استفاده از سازوکارهای دموکراتیک؛ انقلاباتی را که نه جنبه ضد کاپیتالیستی- لیبرالیستی بلکه بویژه ضد سوسیالیستی- مارکسیستی باشد را دامن بزند؛ به همین منظور بخصوص پس از فروپاشی اتحاد شوروی؛ و در دوره گذار از کمونیسم به لیبرالیسم و بویژه پس از شیوع نظام های دموکراتیک در قالب تدوین قانون اساسی مترقی و محدودیت و زمانمندی دوره حکومت به شکل انتخابات؛ با پژوهش جامع از کشورهایی که در حوزه هارتلند جهانی قرار داشتند به انقلاب هایی که به انقلاب رنگی موسوم شدند؛ در آسیای مرکزی و قفقاز و اروپای شرقی با استفاده از دیپلماسی عمومی(دیپلماسی رسانه ای، دیپلماسی دیجیتالی، مبادلات دانشجویی و...) بعنوان ابزار و مولد قدرت نرم مبادرت کردند. انقلاب واقعی بعنوان تحول اساسی و بنیادین که از متن مردم می جوشد با انقلاباتی که در بقایای کشورهای کمونیستی صورت پذیرفته، به علت دخالت موثر بویژه آمریکا در روند شکل گیری با

¹ .NGO

² .revolution

ابزارهای دیپلماسی عمومی همخوانی ندارد؛ لذا اطلاق مفهوم انقلاب بر تحولاتی روبنایی که در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان و دیگر موارد از این گونه به وقوع پیوسته؛ گویای پوشش همه جنبه های مفهومی انقلاب نخواهد بود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در عصری که به عصر استعمار فرانکو موسوم گردیده است؛ روش های استیلا و توسعه طلبی نیز به فراخور زمان و تحولات پیچیده اطلاعاتی- ارتباطاتی چند جانبه و متحول گردیده است. اکنون که قدرت ناخواسته به سمت تلطیف و نرم شدن و مشروعیت آن هرچه بیشتر بر بستر عقلانیت هر چند ابزاری و دانش مترتب است؛ توجه هر چه بیشتر دولت ها به مولفه های نرم افزاری در عرصه سیاست داخلی و خارجی را می طلبد. وقوع انقلاب های سازماندهی شده در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان نشان دهنده اهتمام و تلاش فزاینده غرب به سرکردگی آمریکا در جهت استفاده از گسست و شکاف های نسلی در قلمرو شوروی سابق می باشد؛ از آن جایی که جنگ های آتی، به علت دربرداشتن هزینه های مادی و معنوی و کریه کردن چهره کشورهای متخاصم جنگ های سخت؛ جنگ های مجازی و فرهنگی و به عبارتی جنگ نرم در حوزه اندیشه و تفکر زمینه ساز هر اقدامی در آینده خواهد بود. یکی از ضرورت های انجام این طرح، شناخت هرچه بیشتر لایه های زیرین و استراتژی های ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم ترین دشمن انقلاب اسلامی ایران و ایدئولوژی اسلام ناب می باشد. انقلاب اسلامی ایران به عنوان نه تنها یک دولت- ملت بلکه به عنوان گفتمانی که نظام بین الملل را به اذعان متفکران و سیاست مداران غربی و شرقی به چالش کشید، نیاز اساسی به کالبدشکافی تحولات منطقه و مسائل روز جهانی و بکارگیری راهکارهای نوین در مقابله با دشمنان خود دارد؛ که در این راستا اهتمام به مقوله هایی چون قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و انقلاب های رنگی بسیار مهم می نماید.

تولید، تبیین و توجه مضاعف به مقوله های اسلامی - ایرانی قدرت نرم و دیپلماسی عمومی و به طور کلی تولید و جنبش نرم افزاری و بومی سازی مفهومی علوم انسانی، و بیان وجوه افتراق و اشتراک با رویکرد غربی آن از اساسی ترین مسائلی است که انقلاب عظیم اسلامی در حال حاضر و در آینده نیاز مبرم به اهتمام آن دارد که به طور قاطع می توان گفت که کوتاهی در این زمینه و عدم تولید علوم انسانی بومی، قتلگاه انقلاب را رقم خواهد زد.

عدم شفافیت و مرزبندی مفهومی میان مقوله هایی چون جامعه مدنی، احزاب، توسعه سیاسی، آزادی، توسعه اقتصادی، قدرت و دیگر مفاهیم از منظر رویکردهای اسلامی و غربی در دولت های سازندگی و اصلاحات جمهوری اسلامی و تهدید هایی(و در صورت تبیین و تدقیق در مفاهیم فرصت هایی که از این رهگذر مترتب است) که نظام را با آن مواجه کرد، ضرورت اهتمام به بازاندیشی دوباره می طلبد. علاقه شخصی نویسنده به مبحث قدرت نرم و دیپلماسی عمومی از دیگر مواردی است که توجه رساله را به این سمت معطوف داشته است.

بررسی ادبیات موجود

در چند سال اخیر با توجه به اهمیت قدرت و جنگ نرم و ضرورت توجه به آن پژوهش، و به خصوص ترجمه‌هایی صورت گرفته است. در حوزه قدرت نرم می‌توان به ادبیات گسترده‌ای که از جوزف نای تالیف گردیده و به فارسی هم ترجمه شده اشاره کرد؛ کتاب‌های قدرت نرم ابزار موفقیت در سیاست بین‌الملل، رهبری و قدرت هوشمند و فرسایش قدرت نرم از نای و ادبیات بیشتری از مقاله‌های واضع قدرت نرم در دسترس علاقه‌مندان به این حوزه می‌باشد. کتاب قدرت و جنگ نرم حجت‌اله مرادی که مجموعه‌ای از مقالات در باره قدرت نرم و جنگ نرم می‌باشد از دیگر منابع مهم در این زمینه است که به قدرت نرم توجه داشته است. کتاب‌های مجموعه مقالات قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی و قدرت نرم و نبرد نامتقارن به اهتمام اصغر افتخاری نیز در این حوزه حائز اهمیت می‌باشد. در حوزه دیپلماسی عمومی برخی مقالاتی که توسط حسام الدین آشنا به نگارش درآمده عبارتند از: فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی، دیپلماسی عمومی: فرهنگ و ارتباطات در خدمت سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف. در مورد انقلاب‌های رنگی نیز ادبیات خوبی تولید گردیده است که می‌توان به کتاب افسانه انقلاب‌های رنگی به اهتمام الهه کولایی، انقلاب رنگی و جمهوری اسلامی، در کتاب انقلاب رنگی و جمهوری اسلامی ایران به اهتمام فرزاد پورسعید و مقالاتی که توسط مصطفی ملکوتیان درباره انقلاب‌ها و انقلاب‌های رنگی به رشته تحریر درآمده اشاره کرد. کتاب آمریکا (۶) ویژه دیپلماسی عمومی در آمریکا، گردآوری و تدوین رضا داد درویش نیز در این حوزه دارای اهمیت می‌باشد.

همان‌گونه که در سطور فوق بیان گردید، سه حوزه قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و انقلاب‌های رنگی به طور مجزا در کتب و مقالات متعددی توضیح و بررسی شده است، اما حلقه مفقوده‌ای که در ادبیات موجود وجود دارد نگرش تک بعدی به رویدادها و حوادث، بدون لحاظ نگرش تلفیقی در این گونه ادبیات می‌باشد. تبیین قدرت نرم در کتاب‌ها و مقالات این حوزه توضیح داده شده اما رابطه آن با حوزه دیپلماسی عمومی و تاثیر و تأثیری که بر یکدیگر دارند، کمتر مورد مطالعه گردیده است، همچنین دیپلماسی عمومی در ادبیات حاضر در کشور حاضر در کشور به طور نسبتاً خوبی مورد تدقیق قرار گرفته؛ اما نکته‌ای که در مطالعات ادبیات موجود مورد توجه قرار نگرفته، به حوزه تلفیقی بر می‌گردد. برای نمونه مطالعه نقش دیپلماسی عمومی آمریکا در انقلاب‌های رنگی را نمی‌توان در ادبیات حال حاضر مشاهده کرد. لذا این تحقیق ضمن بررسی مفاهیم قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و انقلاب‌های رنگی به تحلیل و واکاوی نقش دیپلماسی عمومی آمریکا در وقوع انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز می‌پردازد.

روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش تحلیلی - توصیفی و تاریخی می باشد. ابزارهای گردآوری اطلاعات نیز بر اساس منابع کتابخانه ای و اینترنتی است.

سوال اصلی: دیپلماسی عمومی آمریکا با چه سازوکارهایی در وقوع انقلاب های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز ایفای نقش نموده است؟

فرضیه اصلی: اقدامات و مناسبات دیپلماسی عمومی آمریکا از عمده ترین مولفه هایی است که در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به انقلاب های رنگی منجر گردیده است. مولفه ها و ابزارهای ایالات متحده در اعمال دیپلماسی عمومی (مردم محور) به وقوع انقلاب های رنگی در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان گردید.

سوالات فرعی:

۱. فروپاشی نرم افزاری اتحاد شوروی معلول چه عواملی می باشد؟
۲. عوامل داخلی در وقوع انقلاب های رنگی چه نقشی را ایفا کردند؟

متغیر مستقل: اقدامات ایالات متحده آمریکا در قالب دیپلماسی عمومی و قدرت نرم.

متغیر وابسته: وقوع انقلاب های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز.

مفاهیم پژوهش:

دیپلماسی عمومی آمریکا:

مارگارت تاتوایلر، از مسولان پیشین امور دیپلماسی عمومی آمریکا، پس از حادثه یازدهم سپتامبر گفت: «دیپلماسی عمومی را اسلحه نرم افزاری می دانیم. اینک بیشتر تلاش های آمریکا باز یافتن برنامه هایی است که پس از پایان جنگ سرد متوقف گردیده و آمریکا پس از اعلام پایان تاریخ به خانه خود بازگشته و پیروزی را اعلام نموده بود. در تعریف آژانس تبلیغات آمریکا از دیپلماسی عمومی: «این دیپلماسی از طریق درک

توده‌های مردم بیگانه، دادن پیام برای آنان، فعالیت به منظور تأثیرگذاری بر آنها و توسعه گفتگو میان شهروندان و نهادهای آمریکایی از یک سو و نهادهای بیگانه از سوی دیگر، باعث تقویت منافع ملی آمریکا است» تعبیر شده است.

قدرت نرم:

«شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری کنید که مردم به شما متوجه بشوند... کاری نکنید که دل مردم را بدست بیاورید» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۲۵۳).

مفهوم قدرت نرم نخستین بار توسط جوزف نای، نظریه پرداز آمریکایی در مقاله ای در نشریه آتلانتیک در مارس ۱۹۹۰ مطرح گردید وی در این مقاله می گوید: «اگر آمریکا تنها ۲ درصد ناخالص داخلی را به برنامه ای اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقا داده و هم کمک های موثر و اطلاعاتی مورد نظر را به خارج برساند، به قدرتی متفاوت و عمیق تر از قدرت سخت دست می یابد که به آن می گوئیم، قدرت نرم.

انقلاب های رنگی:

انقلاب رنگی یا مخملی نوعی تغییر و تحولات سیاسی بدون خشونت است که برای اولین بار در دوره‌ای ۶ هفته‌ای از ۱۷ نوامبر تا ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ در چکسلواکی آغاز گردید و بعدها به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۰ در صربستان، ۲۰۰۳ در گرجستان، ۲۰۰۴ در اوکراین و ۲۰۰۵ در قرقیزستان ادامه یافت. وجه مشترک همه این پدیده‌ها این بوده است که در مناطقی از اروپای شرقی و آسیای مرکزی و قفقاز رخ داده است که زمانی در حیطه بلوک شرق و جهان کمونیسم به شمار می‌رفته است و طی این تحولات افرادی که طرفدار غرب بوده‌اند به قدرت رسیدند. واژه انقلاب مخملی برای اولین بار توسط واسلاو هاول رئیس جمهور اسبق چک که خود رهبری مخالفان دولت را برعهده داشته و منظور وی از استفاده از این واژه نشان دادن عدم استفاده از خشونت و زور از سوی دو طرف دعوا و مسالمت آمیز بودن تحولات و روند تغییرات در این کشور بوده است. آنچه که در طی این دوره حدوداً ۱۶ ساله در این کشورها رخ داد و بعنوان انقلاب رنگی یا مخملی را به خود گرفت با انقلاب‌های واقعی و اصیل تفاوتی اساسی داشته و معیارهای انقلاب‌های واقعی و اصیل قابل اطلاق به این پدیده‌ها نبوده و نمی‌توان آن را از لحاظ علمی با هم یکی دانست به گونه‌ای که بعضی از نویسندگان آن‌ها را رفرم یا کودتای دولتی با بهره‌برداری وسیع از فناوری اطلاعات دانسته‌اند. ریشه هر انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگری آرمان یک وضع مطلوب.

انقلاب:

انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادی و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط بر یک جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و فعالیت و سیاست‌های حکومت می باشد. مفهوم انقلاب در مسامحه‌آمیزترین برداشت‌ها به تغییر همزمان نخبگان، ساختارها و ارزش‌های حاکم اشاره دارد که با مطالعه روند تحولات، چنین تغییراتی در هیچ یک از این جمهوری‌ها مشاهده نمی‌شود.

آسیای مرکز و قفقاز:

آسیای مرکزی در جغرافیای کنونی جهان در نقطه اتصال دو قاره آسیا و اروپا قرار گرفته و از موقعیت جغرافیایی بسیار مهمی برخوردار است. کشورهای ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان در این منطقه واقع گردیده‌اند. این کشورها از شمال و غرب با روسیه و دریای خزر، از جنوب با ایران و افغانستان و از مشرق با چین همسایه‌اند. وسعت آسیای مرکزی ۳/۹۹۳/۹۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن حدود پنجاه میلیون نفر است که بیش از سه چهارم آن مسلمان و سنی مذهب‌اند.

قفقاز منطقه‌ای بین دریای سیاه و دریای خزر، در جنوب روسیه و شمال غرب واقع شده است. وسعت این منطقه ۴۴۰ کیلومتر مربع و دارای سه جمهوری مستقل، هفت جمهوری خودمختار و چهار استان خودمختار می‌باشد. این منطقه در طول تاریخ از ابعاد مختلف برای قدرت‌های اروپایی و آسیایی با اهمیت بوده است. پس از فروپاشی شوروی به دلیل تمایلات جدایی طلبانه برخی از اقوام در قفقاز شمالی اهمیت آن برای مسکو مضاعف شده است. فروپاشی شوروی قفقاز را به دو قسمت تقسیم کرد. کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در قفقاز جنوبی؛ و سرزمین‌های باقی مانده به عنوان قفقاز شمالی در داخل مرزهای روسیه قرار گرفتند.

سازماندهی فصول:

مقدمه و کلیات: که شامل کلیات تحقیق و چارچوب روش شناختی پژوهش می‌باشد. در مقدمه و کلیات، طرح مسئله، روش شناسی، اهداف و ضرورت پژوهش، بررسی ادبیات موجود، سوال اصلی، فرضیه اصلی، سوالات فرعی

فصل اول: به چارچوب نظری پژوهش و دیدگاه و نقطه نظرات گوناگون درباره قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، انقلاب‌های رنگی می‌پردازد.

فصل دوم: در این فصل به فروپاشی نرم افزاری اتحاد شوروی پرداخته شده، که فروپاشی نرم افزاری اتحاد شوروی به دو عامل اساسی اشاعه اندیشه لیبرالیسم و سازوکارهای اعمالی غرب و بویژه آمریکا و در کنار آن موج ایجاد شده از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه اسلامی تحلیل و بررسی شده است.

فصل سوم: به بررسی عوامل داخلی که در وقوع انقلاب های رنگی در کشورهای گرجستان (۲۰۰۳)، اوکراین (۲۰۰۴)، و قرقیزستان (۲۰۰۵) موثر بوده است، پرداخته است.

فصل چهارم: به بررسی نظرات نظریه پردازان آمریکایی و دیدگاه های سازمان ها و نهاد های موثر در دیپلماسی عمومی توجه شده و همچنین به بررسی نهاد ها و سازمان های دولتی و غیر دولتی که در جریان وقوع انقلاب های رنگی در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان نقش عمده ای ایفا کرده اند؛ اهتمام گردیده است.

فصل پنجم: با ارائه نتیجه گیری پژوهش به طور کلی می پردازد.

فصل اول

چارچوب مفهومی پژوهش: قدرت نرم، دیپلماسی عمومی،

انقلاب